

هومن برق‌نورد و علی مردانه
با حضور در صبا از راه‌های جذابیت «پرده‌نشین» گفتند

قصه‌گویی از جنس مردم به رنگ جامعه

«پرده‌نشین» عنوان سریالی است که به تهیه‌کنندگی محمود رضوی و کارگردانی بهروز شعبی، این شب‌ها از شبکه یک سیما پخش می‌شود و در این مدت توانسته مخاطبان زیادی را جذب کند. حضور چند کاراکتر روحانی نیز بر جذابیت آن افزوده است. با هومن برق‌نورد که پیش از این با بازی در سریال‌های کمدی، در ذهن مخاطبان جایی برای خود باز کرده بود و علی مردانه که با وجود بازی در چند فیلم سینمایی و سریال پیش‌تر به عنوان دستیار کارگردان شناخته شده، گفتگویی در دفتر روزنامه صبا درباره حال و هوای این سریال و جذابیت‌های ایفای نقش یک روحانی تر تیب دادیم که در ادامه می‌خوانید.

حسین پناه‌پور

در مورد تجربه «پرده‌نشین» و بازی در نقش یک روحانی بگویید. چه شد که این نقش به شما رسید؟

هومن برق‌نورد: من نه سینما می‌روم و نه تئاتر می‌بینم. می‌اسر کارم یا خوابم و از این دو حالت خارج نیست! کتاب‌هایی هم که در اوقات فراغت می‌خوانم، پیش‌تر فیلمنامه‌هایی است که برایم می‌فرستند تا آن را بخوانم (می‌خواند). در میان مطالعاتم، به «پرده‌نشین» رسیدم. روز اول که این نقش را به من پیشنهاد کردند، به‌دلیلی که گفتیم، وقتی به من زنگ زدند و گفتند که کارگردان آقای شعبی است، گفتم چه در این کار برایم جذاب شد. گفتیم فیلمنامه را بفرستید بخوانم. بعد از این که فیلمنامه را خواندم و رفتم بهروز شعبی و محمود رضوی راز نزدیک‌تر دیدم، رافع‌اشد که این نقش را بازی کنم.

مردانه: برای بازی کردن این نقش هیچ هراسی به‌دلت راه ندادی؟
برق‌نورد: نه، من اصولاً وقتی فیلمنامه‌ای را می‌خوانم، وقتی می‌توانم آن نقش را بازی کنم که موقع خواندن فیلمنامه، هاله‌ای از آن نقش را بینم یا بزدم آن را بسازم. باید موقع خواندن فیلمنامه تصویری از آن نقش را در ذهن داشته باشم. اگر این تصویر را داشته باشم، می‌توانم این نقش را بسازم، در غیر این صورت واقعاً نمی‌توانم هیچ کاری انجام دهم. بعد از خواندن فیلمنامه «پرده‌نشین» این ارتباط برقرار شد. البته ابتدا یک اسکلته فلزی خام بود، اما چون می‌دانستم این اسکلته وجود دارد، می‌دانستم که می‌توانم آن را بسازم و به همین دلیل آن را پذیرفتم.

مردانه: به هر حال نقشی که در «پرده‌نشین» داشتی، نسبت به کارهای قبلی بر چه انجام دادی، خیلی متفاوت بود. ما پیش از این دو تجربه همکاری با هم‌دیگر داشتیم که در سریال «درد مسیر زاینده‌رود» نقش یک دلال قوتل را بازی می‌کردی که آن هم خیلی از کارهای قبلیت دور بود. در «پرده‌نشین» هم این اتفاق افتاد...
برق‌نورد: دقیقاً. اصلاً به کارهای حج‌ا قسا مهدوی کاری ندا. در مرحله اول خود‌قصه برایم جذابیت خاصی داشت و همین طور شخصیت آقای شعبی.

اتفاقی که در «پرده‌نشین» افتاد این بود که شخصیت حاج آقا مهدوی برای سه‌مغفولت باور پذیر بود.

برق‌نورد: من اولین سؤالی که از بهروز شعبی در مورد این نقش کردم این بود که مادر این سریال وارد زندگی شخصی حاج‌ا مهدوی می‌شویم یا نه؟! چون اگر وارد می‌شدند من این نقش را بازی نمی‌کردم و اگر می‌گفتند، نه من بازی نمی‌کردم. منظورم زندگی عادی روزمره اوست. چون من هیچ‌وقت دوست ندا. یک کاراکتر را تک بعدی نشان دهم، چرا که تبدیل به کلیشه می‌شود. در «پرده‌نشین» ما روابط حاج‌ا مهدوی را با زن و بچهایش، عصبانیتش و تشرزدنش را می‌بینیم. آن قدر این ایام برایم اهمیت داشت که به آقای شعبی گفتم از آن جا که من به قصه اصلی داستان و صل، ای کاش در قصه اصلی قرار می‌گیرم. همین موضوع، باعث شد که نقش مهدوی در ادامه‌قصه برنگ‌تر شود.

چقدر در محدودیت‌هایی که در نشان دادن پرسوناژ حاج‌ا مهدوی باید لحاظ می‌شد، فکر می‌کردید؟
برق‌نورد: در زمان تصویربرداری هر وقت من و آقای آیش بازی داشتیم دو روحانی به نام حاج‌ا اسدزاده و حاج‌ا سعادت در آن جا حضور داشتند که اشکالات ما را بگیرند. مثلاً اگر جایی قرار بود حدیثی را روایت کنیم یا عربی حرف بزنیم، آن‌ها ایرادات ما را بر طرف می‌کردند. به همین دلیل من اصلاً به این محدودیت‌ها فکر نمی‌کردم. چون اگر در گیر آن می‌شدم همه چیز خراب می‌شد. من زندگی را می‌گسردم، برای من مهدوی مثل بقیه مردم بود که تنها لباسش عوض شده بود.

می‌توانیم یکی از دلایل موفقیت این نقش را همین دور



بودن این سکانس می‌شد. وقتی دوباره به حاج‌ا سعادت زنگ زدیم، به من گفتم: اگر شمار نامی شناختم فکر می‌کردم با یک روحانی حرف می‌زنم. این تنها سکانس بود که برای بازی در آن استرس داشتم.
مردانه: لایه‌لای حرف‌هایی که زدی، چند بار به جذاب بودن قصه اشاره کردی، چه چیزی از آن برایت جذاب و نو بود؟
برق‌نورد: زیبایی متن به این دلیل بود که در کنار قصه اصلی سریال، چند قصه دیگر نیز وجود داشت. مثل قصه براتلی و هاجر و ماجراهای عاشقانه‌ای که بین آن‌ها هست. عده‌ای جذابیت این قصه را به دلیل وجود یک طبله در متن این داستان عاشقانه می‌دانند و عده‌ای دیگر، خود همین عشق برایشان جذاب است. همچنین عده‌ای به هدی بابت کارهایش به او حق می‌دهند و بعضی‌ها با او مخالفت می‌کنند.

برای هر سلیقه‌ای در این سریال جذابیتی وجود دارد.

مردانه: بهروز شعبی به کاری که می‌کنند اعتقاد دارد. این را در نقش‌هایی هم که بازی می‌کنند می‌بینیم. دیگر این که بهروز، جنس آدم‌هایی را که روایت می‌کنند، می‌شناسد و این کار را با دل انجام می‌دهد. وقتی این ویژگی‌ها وجود داشته باشد، انرژی مثبتی که هومن گفت در کل فیلم جریان پیدا می‌کند. عکس‌العمل مخاطبان نیز نشانگر این موضوع است. خیلی‌ها می‌گویند: «پرده‌نشین» قصه روانی دارد و شبیه زندگی اطراف ماست.

در انتخاب شما به عنوان روحانی در «پرده‌نشین»، یک ریسک وجود داشت که ۵۰ درصد آن به کارگردان برمی‌گردد و ۵۰ درصد دیگر به شما، نگران این نبودید که نتوانید از عهده این نقش بر بیایید؟

برق‌نورد: این ریسک تا جایی بود که من متن را خوانده بودم، ولی بعد از آن و شکل گرفتن تصویر اولیه نقش در ذهنم و این که چگونه باید حرف بزنم، برای بازی آن اعتماد به نفس پیدا کردم. من از قسمت یازدهم وارد قصه شدم و همان موقع خواندن فیلمنامه تا قسمت سیزدهم، لحن این شخصیت را پیدا کردم.

در انتخاب بازیگران نیز اتفاق خوبی افتاد و به باور پذیری کاراکترها کمک زیادی کرد. علی مردانه پیش از آن که نقش آرش را بازی کند، در این سریال دستیار اول کارگردان بوده است.

انتخاب بازیگران چقدر به جذابیت «پرده‌نشین» کمک کرده است؟

مردانه: من از پنج اسفند سال گذشته به عنوان دستیار کارگردان در این پروژه حضور داشتم و به همراه تهیه‌کننده، کارگردان، خاتم مصیبی (برنامه‌ریز) و علی سربابی (انتخاب بازیگران اولیه) جزو اولین نفراتی بودیم که به شروع به کار کردیم. ما درباره همه تصمیم که قبل از کلید زدن کار قرارداد بستند، حرف می‌زدیم و تصمیم می‌گرفتیم. ما روزهای بازی بازیگران شخصیت‌های اصلی سریال مثل حاج‌ا قاسمی، مهدوی، میرزایی و محمدحسین بحث می‌کردیم و گزینه‌های مختلف را بررسی می‌کردیم. بعضی از بازیگران درگیر کارهای دیگر بودند و ما به گزینه‌های دیگر می‌رسیدیم. سعی همه گروه این بود که با وسواس و ریزبینی خاصی این کار را جلو ببریم.

برق‌نورد: من هم معتمد انتخاب بازیگران و این که کدام بازیگر برای یک نقش مناسب است، در هر سریالی تعیین‌کننده است. یکی از دلایل موفقیت این سریال نیز، همین مسئله بود.

مر دم بیش تر شما را برای بازی در سریال‌های کمدی به

عکس: حفصه لطیف زاده

که آقای احمد رضا درویش و مهرداد میرفلاح دستیار ایشان، برای بازدید لوکیشن فیلم «دوئل» و انتخاب چند بازیگر، وارد سالن شدند. بعد از گفتگوی کوتاهی با آقای درویش من متوجه شدم که در «دوئل» حضور خواهم داشتم. این گونه هم شد و من نقش قاسم را در این فیلم‌سازی کردم ولی «دوئل» این قدر بر بازیگر بود که من کمتر دیده شدم.

چرا بازیگری را ادامه ندادی؟

مردانه: سال ۷۹ من برای بازی در فیلم آقای درویش به تهران آمدم، بعد از آن و به دلیل این که دوست نداشتم هر نقشی را بازی کنم و همین‌طور طولانی شدن مراحل آماده‌شدن «دوئل» برای آکران و برای امرامعاش در تهران تصمیم گرفتم دستیار کارگردانی کنم. علاوه بر این فهمیدم که سینما به جز ضوابط نیاز به روابط خوب نیز دارد. دستیار است. همچنین برای شناخت بهتر سینما دستیار می‌باشم. برای من فواید بسیاری داشت. البته من اصلاً به کارگردانی علاقه‌ای ندا. ما، بازیگران شرایط آن فراهم شد، اما معتمد نباید سراغ کاری برویم که به آن ایمان نداریم. من از بچگی عاشق بازیگری بودم و همیشه می‌گویم اگر شرایط برای ادامه روند بازیگری‌ام آماده باشد، اولویت من است. در غیر این صورت دوست دارم همیشه یک دستیار کارگردان خوب باقی بمانم.

در «پرده‌نشین» برای اولین بار است که به عنوان بازیگر در این سریال خوب دیده می‌شوید. دلایل چیست؟

مردانه: دلیل متفاوتی دارد. یکی این که نقش‌هایی که بازی کردم شاید در قصه اصلی این قدر پررنگ نبودند که در ذهن مخاطب باقی بمانند. دیگری این که در برخی کارها سکانس‌های بازی من از نسخه نهایی فیلم حذف شدند. تو اسریال دیگر نیز بازی کردم که باز به دلیل زمان پخش نامناسب دیده نشد. ولی در «پرده‌نشین» خوشبختانه این اتفاق افتاد. البته آرش خیلی از خودم دور است، هم از نظر سنی و هم از نظر شخصیتی. خیلی خام و احساساتی است و در لحظه تصمیم می‌گیرد. در ناز و نعمت بزرگ شده و اصلاً به کارهایی که انجام می‌دهد، فکر نمی‌کند، اما پشت این آدم بی‌منطق دل صاف و ساده‌ای وجود دارد. در ادامه نیز نقش آرش پررنگ‌تر می‌شود.

چگونه دستیار کارگردانی و بازیگری را به صورت همزمان انجام می‌دید؟ یا هم تداخلی نداشتم؟

مردانه: سیدیم به اصل ماجرا (می‌خواند). خب من ۴ ماه پیش تولید و ۲ ماه و نیم در زمان تولید دستیار اول کارگردان بودم که واقعا شرایط سختی بود، اصلاً استراحت نداشتم و مدام درگیر کارهای مربوط به دستگیری و تمرکز بازی بازیگری بودم. این تداخل باعث شد در جاهایی تمرکز کم را دست بدهم.

برق‌نورد: علی، تو این دو تا تفکیک می‌کنی در حالی که این طوری نبود! مثلاً وقتی تو یک سکانس بازی می‌کردی و هنوز چند پلان از آن باقی مانده بود، تو بین آن دستیار کارگردانی می‌کردی. من چندبار به شوخی به علی گفتم تو الآن بازیگری و پرورس کار خودت (می‌خواند).
مردانه: واقعیت این است که من از ابتدایم دانستم قرار است نقش آرش را بازی کنم و هم من و هم آقای شعبی اذیت شدیم و همین‌جا باید به خاطر سکانس‌هایی که بازی می‌کردم نمی‌توانستم به ایشان کمک کنم. عذر خواهی کنم. این موضوع باعث شد که در جلسه‌ای با حضور آقای رضوی و شعبی، پیشنهاد حضور یک دستیار کارگردان جدید را مطرح کنم. و آن‌ها به من این لطف را کردند و اجازه دادند آقای ختکال به پروژه اضافه شود.

آقای برق‌نورد به نظر تان علی مردانه در کدام قسمت موفق‌تر بود؟ دستگیری یا بازیگری؟

برق‌نورد: در هر دو قسمت موفق بود. به نظر من علی خیلی خوب بازی کرد. این را جدی می‌گویم. مثلاً محسّر من هروقت «پرده‌نشین» را می‌بینم، می‌گویم: «باز آرش او بعد از آن که در جلسه‌ای با من گفت» (می‌خواند). این نشانه خوبی است. یعنی این که تو دیده می‌شوی. من یک روز صحنه نیز به علی گفتم که خیلی خوب بازی می‌کنی، ولی آن موقع استرس زیادی داشت.

یاد می‌آورد، تصور نمی‌کرد بد این قضیه در باور پذیری نقش حاج‌ا مهدوی برای مخاطب نقش منفی داشته باشد؟

برق‌نورد: نه، این گونه نبود. واقعیت این است که تعداد کارهای جدی‌من از کارهای کمدی که بازی کردم پیش‌تر است، اما به نظر من سریال‌های طنز به این دلیل بهتر دیده شدند که زمان پخش مناسبی مثل ماه رمضان یا عید نوروز داشتند. من شش کار سینمایی بازی کرده‌ام که هیچ‌کدام کمدی نبودند. من در نقش‌های دیگر نیز توانایی دارم و می‌توانم به خوبی از عهده آن بر بیایم. در واقع اگر فیلمنامه و نقش را دوست داشته باشم، آن را بازی می‌کنم و به ژانر آن توجهی نمی‌کنم.

مردانه: دلیل آن نمی‌تواند این باشد که تو در سریال‌های کمدی -نسبیت به کارهای جدی که انجام دادی- نقش اصلی‌تری در قصه داشتی؟

علی مردانه: آرش خیلی از خودم دور است، هم از نظر سنی و هم از نظر شخصیتی. خیلی خام و احساساتی است و در لحظه تصمیم می‌گیرد. در ناز و نعمت بزرگ شده و اصلاً به کارهایی که انجام می‌دهد، فکر نمی‌کند، اما پشت این آدم بی‌منطق دل صاف و ساده‌ای وجود دارد

برق‌نورد: نه، به نظر من فرقی نمی‌کند و به نظر من دلیل مواردی که

گفتم، آن کارها فقط بهتر دیده شده‌اند. اگر برای انتخاب نقش در «پرده‌نشین» آزادی انتخاب داشتم، باز هم پرسوناژ حاج‌ا مهدوی را انتخاب می‌کردید؟

برق‌نورد: نه، شاید اگر به عهده من بود دوست داشتم شخصیت میرزایی را بازی کنم، موقع خواندن فیلمنامه با این شخصیت هم ارتباط خوبی برقرار کردم.

علی مردانه پیش‌تر به عنوان دستیار کارگردان شناخته

می‌شود، ولی با نگاه کردن به کارنامه هنری اش می‌بینیم که ابتدا با بازیگری پا به عرصه سینما گذاشته است. چرا این اتفاق افتاد؟

مردانه: من فعالیت هنری‌ام را با بازیگری تئاتر در خوزستان شروع کردم. بعد از چند سال کار مداوم در تئاتر و حضور در چند فیلم کوتاه، حمید فرخ‌زاد، من را برای بازی در «عروس آتش» به آقای سبنایی معرفی کرد و این گونه شد که من نقش فیصل را در این فیلم بازی کردم. بعد از آن روزی مادر در سالن تئاتر اهواز مشغول تمرین بودیم

پیشنهاد تلویزیونی

«چگونه زمین ما را ساخت؟» در شبکه مستند

علاقه‌مندان به مستندهای کاوشگرانه و علمی می‌توانند مجموعه مستند «چگونه زمین ما را ساخت؟» را از شبکه مستند تماشا کنند. قسمت اول این مستند که محصول ۲۰۰۹ است هفته گذشته روی آنتن رفت و ادامه این مجموعه نیز سه‌شنبه‌ها از این شبکه پخش خواهد شد. این مجموعه که در پنج قسمت ۶۰ دقیقه‌ای تولید شده، قدرت جادویی سیاره زمین را نشان می‌دهد و این که مستند زمین تاریخ بشری را از قبل از تمدن شهری تا عصر مدرن صنعتی تحت تأثیر قرار داده است. در این مجموعه بررسی می‌شود که چرا بعضی از جوامع موفق و بعضی دیگر شکست خورده‌اند و چگونه محیط، تمام جنبه‌های تاریخ ما را از هنر تا صنعت، مذهب تا جنگ، یکی شدن سرزمین‌ها یا جداشدن آن‌ها تحت تأثیر قرار داده است. تصویربرداری‌های حیرت‌انگیز این مجموعه، مکان‌یابی‌های فوق‌العاده، زمان زیاد و بیان پر از هیجان تمام ذهنیت‌های قبلی را در مورد تمدن و فرهنگ انسان متحول می‌کند و چشم‌اندازی تازه از این که انسان‌های امروز، به هستی، به مخاطبان ارائه می‌کند. از دیگر نکات جذاب این مجموعه می‌توان به تصاویری شگرف از قنات‌های زیبای ایران و چگونگی طراحی آن‌ها اشاره کرد. «زمین چگونه ما را ساخت؟» ساعت ۱۶ از شبکه مستند سیما پخش می‌شود.

پیشنهاد رادیویی

«جراغ» در رادیو تهران

برنامه «جراغ» شب‌های یکشنبه با موضوع معضلات و مشکلات محیط زیست و گردشگری از ساعت ۲۱ تا ۲۳:۳۰ روی آنتن رادیو تهران می‌رود.

برنامه «جراغ» کاری از گروه فرهنگ و هنر رادیو تهران است که از شنبه تا چهارشنبه از موج اف‌ام ردیف ۹۴ مگاهرتز پخش می‌شود. در این برنامه، برنامه‌سازان هر شب با یک موضوع، محتوا، ساختار و عوامل مجزای تهیه و تولید برنامه اهتمام می‌ورزند.

به گفته اسماعیل باستانی یکی از تهیه‌کنندگان این برنامه، «جراغ» یکشنبه‌ها به مدت ۳ سال است که هر هفته به یکی از حوزه‌های محیط زیست، صنایع دستی و گردشگری اختصاص یافته است. از موضوع‌های حوزه محیط زیست می‌توان به بررسی وضعیت دریاچه ارومیه، اخبار حوزه ریاست محیط زیست، تالاب‌های ایران، پرندگان و پروانه‌های ایران و... اشاره کرد. در حوزه گردشگری نیز ضمن معرفی میراث فرهنگی و صنایع دستی مناطق مختلف به دلایل استقبال یا عدم استقبال به آن‌ها پرداخته می‌شود. رامین نوری، کارشناس -مجرى، مهدی مجنونى، گوینده، علیرضا نظاری در قسمت هماهنگی، سایر عواملی هستند که با این برنامه همکاری دارند.

«جراغ» در سایر شب‌های هفته، موضوعات دیگر را در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد.



۱۰۱ سگ خالدار

مریم فلاح: «۱۰۱ سگ خالدار» جزو کارتون‌هایی بود که قبل از این که از تلویزیون پخش شود، خاطره تماشای آن را از سال‌های مدرسه داشتم. این فیلم مذهبی با پیام‌های فخر که می‌رسید، برای این که بچه‌ها را خوشحال کند اما این کارتون‌ها در تلویزیون از دیدن و حتی قبل‌تر از آپارات نشانمان می‌دادند و چقدر هم کیف می‌کردیم. این کارتون ماجرای دو سگ خالدار از نژاد گران قیمت دل میشن بود که ۱۵ تا توله داشتند. زن پولدار و بدجنسی به طمع دختن پالتویی از پوست آن‌ها پیشنهاد خریدشان را به صاحبان داد. با رد شدن پیشنهادش دو نفر را برای دزدیدن آن‌ها اجیر کرد و جالب‌تر این که وقتی آن‌ها زده شدند با ۸۴ تا توله دیگر آشنا شدند که پیش از آن توسط زن زندانی شده بودند. اما در اقدامی غافلگیرکننده آن‌ها با هم متحد شده، فرار کرده و به صاحب قبلی سگ‌های خالدار پناه می‌برند و این طوری تعداد سگ‌ها به ۱۰۱ می‌رسد. این کارتون سال ۱۹۶۱ توسط کمپانی والت دیزنی با بودجه ۲ میلیون دلار ساخته شد. منبع داستانی کارتون، داستانی به همین نام نوشته دادی اسمیت است.